

## ایران‌شناسی در داغستان: بنیان، وضعیت امروز، چشم‌انداز

نوری ممدزاده

استاد زبان فارسی دانشگاه دولتی داغستان

ایران‌شناسی در داغستان موضوعی جدید و در حال شکل‌گیری است. ریشه‌های ایران‌شناسی در داغستان را باید در تاریخ روابط فرهنگی و تاریخ زبان و ادب فارسی در داغستان جست و برنامه‌های توسعه‌ی رشته‌ی ایران‌شناسی باید طبق بررسی این روابط تنظیم گردد. با توجه به این موضوع، مقاله به چهار بخش تقسیم شده است:

(۱) نگاهی به تاریخ روابط فرهنگی، به‌خصوص تاریخ ادبیات فارسی در داغستان؛

(۲) ایران‌شناسان داغستانی تا زمان فروپاشی شوروی؛

(۳) ایران‌شناسی در داغستان بعد از فروپاشی شوروی؛

(۴) چشم‌انداز گسترش ایران‌شناسی در داغستان.

## بخش اول

## نگاهی به تاریخ روابط فرهنگی، به‌خصوص تاریخ ادبیات فارسی در داغستان

روابط داغستان با ایران زمین را می‌توان از زمان دولت ماد مشاهده کرد، زیرا در آن زمان داغستان جزء آلبانیای قفقاز به‌شمار می‌آمد و به قول تاریخ‌شناس معروف روسی، دیاکونوف، روابط آلبانیای قفقاز با دولت ماد روابط بسیار نزدیکی تصور می‌شود.<sup>۱</sup> از این زمان می‌توان درباره روابط فرهنگی بین مردمان داغستان و ایران صحبت کرد. یکی از دلایل این است که بین مادها و اقوام سواحل شمالی دریای خزر در هزاره اول قبل از میلاد روابط تجاری برقرار بوده است.<sup>۲</sup> لازم به ذکر است روابط تجاری معمولاً همراه با روابط فرهنگی می‌باشند.

با این‌همه تاریخ زبان و ادبیات فارسی در داغستان از دوره ساسانی آغاز می‌شود. پیوستن آلبانیای قفقاز به ایران در زمان حکومت شاپور اول (۲۴۱-۲۷۲ ق.م) صورت گرفت.<sup>۳</sup> ولی اولین اطلاعاتی که بر روابط اقوام داغستان با ایران زمان دولت ساسانی دلالت می‌کند، در لشکرکشی‌های شاهان سلسله ساسانی و به‌ویژه شاپور دوم به چشم می‌خورد.<sup>۴</sup>

برای نفوذ بیشتر در منطقه داغستان ایرانیان شروع به تبلیغ و گسترش دین زرتشتی خود کردند<sup>۵</sup> و به‌نظر می‌رسد که این مسئله، آغاز پیدایش کتب و هر نوع دیگری از آثار ادبی مذهب ساسانی‌ها و گسترش زبان پهلوی است که این دو امر لازمه تبلیغ دین هستند. ایرانیان در داغستان استحکاماتی را ساختند<sup>۶</sup> که یکی از آنها شهر دربند است.

ساخت این شهر را می‌توان به دوران حکومت شاپور مرتبط ساخت ولی حتی اگر ساختن دیوار معروف دربند به عهده شاپور نبود، دست‌کم ساخت نتیجه کوشش‌های وی می‌باشد.<sup>۷</sup> بیشترین نفوذ ایرانیان در این شهر بود که نام آن گواه بر این امر است. بعد از ساخت این دیوار، مهاجرت مردم ایران به این شهر شروع شد.<sup>۸</sup> طبق اطلاعات اثر معروف در بندنامه، از مناطق داخل ایران به دربند سه هزار خانوار منتقل شده بودند<sup>۹</sup> و براساس اثر مکتوب آختی‌نامه، انوشیروان ۶۰ خانوار از مردم فارس و ۳۰۰ نفر سپاهی به قلعه‌ای در نزدیکی روستای آختی منتقل ساخت.<sup>۱۰</sup>

تمامی این موارد گواه بر پیدایش و گسترش زبان و ادبیات ایران در داغستان می‌باشند که نمونه بارز آن کتیبه‌هایی به زبان پهلوی است که در شهر دربند به جای مانده‌اند. قبلاً ۲۵ کتیبه



کوچک به خط پهلوی متصل در باروی شهر دربند معروف بوده‌اند.<sup>۱۱</sup> ولی براساس کشف و بررسی‌های اخیر که در این شهر صورت گرفته‌اند، باستان‌شناسان شش کتیبه جدید به فارسی میانه را در آنجا کشف کردند.<sup>۱۲</sup> تمام این سی و یک کتیبه شامل نام‌های خاص سنگ‌تراشان یا کسانی است که در کشیدن دیوار سهمی داشته‌اند و یا اینکه نام و عنوان آمارگر را دربردارند. بعد از سقوط دولت ساسانی و حمله اعراب، به‌خصوص بعد از آمدن آنان به داغستان (اولین گردان‌های سپاه اعراب در سال ۲۲ ق به دربند آمده بودند<sup>۱۳</sup>) روابط ایران و داغستان کاهش یافت.

بعد از گسترش دین مبین اسلام در داغستان زبان عربی جایگاه اول را احراز نمود و زبان اصلی تمام مناسبات تجاری، سیاسی، فرهنگی و ادبی شد. ولی در اواخر قرن ۱۱ و اوایل قرن ۱۲ میلادی، به‌ویژه بعد از قرن ۱۶ میلادی، زبان فارسی دری در زندگی روزمره، فرهنگ، ادبیات و حتی مکاتبات سیاسی و تجاری جایگاه خاصی را به خود اختصاص داد.

در داغستان از کتاب‌های فارسی استقبال زیادی شد و این به دلیل شرح و یادآوری کتابخانه‌های شخصی<sup>۱۴</sup>، مجموعه‌های کتب مساجد<sup>۱۵</sup> و نسخه‌های خطی انستیتوی تاریخ، باستان‌شناسی و نژادشناسی مرکز علوم داغستان وابسته به فرهنگستان علوم فدراسیون روسیه<sup>۱۶</sup> بود. به ندرت کتابخانه‌ای پیدا می‌شد که در مجموعه کتاب‌های آن دیوان‌های شعر زیبای حافظ، سعدی، نظامی، فردوسی، جامی، فضولی، مولوی و غیره نباشد. درباره عشق و علاقه زیاد مردم داغستان به شعر فارسی، داستان معروف نظامی گنجوی و فرمانروای دربند دلیل واضحی بر این مورد است.

فرمانروای دربند بعد از خواندن مخزن‌الاسرار نظامی با وجودی که شعر به او اتحاف نشده بود با اهدای کنیزی قیچاقی به وی به نام آفاق کارش را تحسین کرد و نظامی چنان مفتون زیبایی آفاق گردید که در سال ۵۶۹ ق وی را به عقد خویش درآورد.<sup>۱۷</sup> او منظومه خسرو و شیرین را در دوران عشق همین زن سرود.<sup>۱۸</sup>

همین‌طور که در بالا اشاره‌ای شد، زبان فارسی زبان مکاتبات و آموزش گردید. مکاتبات شخصی و اداری یکی از حکام بزرگ داغستان آمه خان آواری (۱۷۴۴-۱۸۰۱م) بیانگر این



مطلب است، ۱۶۰ نامه که به زبان فارسی خطاب به این خان نگارش شده، به‌دست ما رسیده است<sup>۱۹</sup> و همین‌طور فرمان شاه طهماسب اول (۱۵۲۴-۱۵۷۶م) دربارهٔ معاف شدن چند منطقه جنوب داغستان از پرداخت برخی مالیات‌ها به منظور جذب صوفیان آن دیار می‌باشد.<sup>۲۰</sup> زبان فارسی را در مدارس سنتی و دینی داغستان نیز تدریس می‌کردند.<sup>۲۱</sup>

روابط ایران و داغستان و نیز زبان فارسی گسترش یافت. بنابراین مردم داغستان نیاز به فرهنگ و دایرة‌المعارف‌ها از فارسی به زبان خود داشتند. اولین فرهنگی که در آن لغات فارسی با ترجمه به یکی از زبان‌های داغستان ارائه شده‌اند، فرهنگی به‌نام آن فصل فی جمع التصاریف للفظ الواحد<sup>۲۲</sup> و مؤلف این فرهنگ، محمد شفیق دبیر قاضی آواری عالم، فرهنگ‌نویس، ادیب و مترجم نامدار داغستان (۱۷۴۲-۱۸۱۷م) است. این فرهنگ در واقع فرهنگ ترکی با ترجمه به زبان‌های فارسی، عربی و آواری هست. وی همچنین در سال ۱۱۹۶ق فرهنگ عربی-فارسی-ترکی-آواری را تألیف نمود.<sup>۲۳</sup> دبیر قاضی الآواری در تألیف فرهنگ‌های خود از منابعی همچون *تفاسیر فی لغة الفرس* تألیف قطران ابومنصور ارموی، *صحح الفرس* تألیف هندوشاه نخجوانی، *مجمع الفرس* تألیف محمد سروری کاشانی و غیره استفاده کرده بود. محمد شفیق آواری نیز کلیله و دمنه را از عربی و اشعار فارسی را به آواری ترجمه کرد<sup>۲۴</sup> و گزیده اشعار گلستان سعدی را با معانی و شرح به عربی و فارسی برای دانش‌آموزان تألیف نمود.<sup>۲۵</sup>

تمامی این موارد نشانگر استقبال مردم داغستان از زبان و ادبیات فارسی است. به تدریج تأثیر فرهنگ، ادبیات و زبان فارسی چندان افزایش یافت که خود داغستانی‌ها شروع به تألیف و نوشتن آثاری به زبان شیرین فارسی می‌نمودند. نگارنده معتقد است شعرا، نویسندگان و علمایی که برای بیان تفکر و عقیدهٔ خود زبان فارسی را انتخاب کرده بودند، را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد:

(۱) فرهیختگان داغستان که متأسفانه آثار آنها به دلایل مختلف تاریخی از بین رفتند و فقط در کتب و تذکره‌ها به آنها اشاره شده است. از جملهٔ آنها، میرزا علی الآختی (۱۷۷۱-۱۸۵۸م) است که شعر فارسی می‌سرود<sup>۲۶</sup>، سید میرتقی کاشانی که شاعر ایرانی و مؤلف دیوان عندلیب<sup>۲۷</sup>



بود، میرزا بیك‌الشعاعی که با زبان فارسی آشنایی کامل داشت و آثار و اشعار زیاد خود را به این زبان نوشته بود.<sup>۲۸</sup>

(۲) مؤلفانی که هیچ اطلاعی از زندگی آنها در دست نیست ولی در نسخه‌های مجموعه‌های منتخب اشعار فارسی، عربی، ترکی و نیز در تذکره‌های مختلف که در مراکز پژوهشی و غیره نگهداری می‌کردند، ابیات و اشعاری از آنان به زبان فارسی موجود است. به‌عنوان نمونه غزل شاعر گمنام داغستانی - دربندلی درلر است که در انستیتوی نسخ خطی آکادمی علوم جمهوری آذربایجان نگهداری می‌شود.<sup>۲۹</sup>

(۳) مهاجران ایرانی که به خاطر اوضاع سخت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران آن زمان به این منطقه پناه بردند. از سال ۱۸۹۱م تا سال ۱۹۰۵م در قفقاز بین ۱۵ تا ۶۲ هزار اسم از مهاجران ایرانی ثبت شده است.<sup>۳۰</sup> از جمله این بزرگان عبدالرحیم طالبوف بوده که در اواخر دهه شصت قرن ۱۹ میلادی به داغستان مهاجرت نمود.<sup>۳۱</sup>

(۴) شعرا، نویسندگان، علما و روشنفکران داغستان که شرح حال و نیز آثاری از آنها به زبان فارسی به‌جای مانده است. از جمله آنان می‌توان به ابوسفیان آقاییف<sup>۳۲</sup>، قمری دربندی و القدری اشاره نمود، که ذکر مختصری از احوال و آثار آنها در اینجا ضروری به‌نظر می‌رسد.

#### میرزا محمدتقی قمری گلزار دربندی (۱۲۳۵-۱۳۰۹ق) شاعر و مرثیه‌سرای داغستانی

قمری در شهر دربند متولد گردید. علوم دینی و زبان‌های فارسی و عربی را در زادگاهش فراگرفت و بر آنها تسلط کامل یافت. وی به زبان روسی نیز آشنایی کمی داشت.<sup>۳۳</sup> قمری جوانی خود را در عیش و خوش‌گذرانی و غفلت گذراند، چنانچه خودش می‌گوید عمر خود را صرف وصف خط و خال و ابروی هلال زیبارویان نمود که یک دفعه عقل ممتاز به خطاب درآمد.<sup>۳۴</sup> وی از بزرگ‌ترین کاذب‌های دربند بود<sup>۳۵</sup> و از سی سالگی به روضه‌خوانی و مقتل‌نویسی پرداخت و کتاب *کنزالمصائب* را به نظم درآورد که این کتاب بارها و بارها در تبریز چاپ شد.<sup>۳۶</sup> قمری به‌جز *کنزالمصائب* اشعار دیگری هم داشت که در سن پنجاه سالگی آنها را به *کنزالمصائب* می‌افزاید و این اثر را دیوان کامل قمری می‌نامد<sup>۳۷</sup> که دربردارنده اشعار ترکی و فارسی او هست و با تصحیح

آقابن عابد در باکو به سال ۱۲۸۵ق و در تهران به سال ۱۳۷۲ش به چاپ رسیده است.<sup>۳۸</sup> اثر سوم و ناشناخته قمری دربندی دیوان کنزالمعارف است که بعد از وفاتش به دست فرزند او تحریر و تکمیل شده است و نسخه خطی آن در انستیتوی نسخ خطی باکو نگهداری می‌شود.<sup>۳۹</sup> این اثر قمری شامل ۱۸۸ صفحه شعر فارسی است. شعر قمری بیشتر در بردارنده مدح و مرثیه اهل بیت(ع)، به خصوص امام حسین(ع) و یارانش می‌باشد، ولی شعرهای عارفانه و ساقی‌نامه‌ها در شعرش به چشم می‌خورند. قالب شعرهای وی بیشتر قصیده و غزل است، ولی در شعر فارسی وی هم رباعیات وجود دارد. او در شعر مرثیه‌اش در عزای امام حسین(ع) و یاران و اهل بیتش از روضه‌الشهدای کاشفی به عنوان سند تاریخی و از حدیقه‌السعدای فضولی (چنان‌که خودش از مکتب فضولی پیروی می‌کرد) بهره جسته است.<sup>۴۰</sup> شعر خواجوی کرمانی<sup>۴۱</sup>، منوچهری و محتشم کاشانی بر شعر فارسی قمری تأثیر گذاشت.

میرزا محمدتقی قمری گلزار دربندی تنها شاعر ماهر داغستانی است که هم اشعار زیادی به زبان فارسی دارد و هم اطلاعاتی هر چند محدود از زندگی وی به جای مانده است.

#### میرزا حسن فرزند عبدالله القدری (۱۸۳۴-۱۹۱۰م) تاریخ‌نگار و شاعر داغستانی

میرزا حسن در روستای القدار به دنیا آمد. او از نوادگان شیخ شامیل بود و زبان‌های ترکی، فارسی، عربی و روسی را در سطح عالی می‌دانست. با اکثر روشنفکران داغستانی، آذربایجانی و ایرانی مقیم داغستان دوست بود و با آنها مکاتبه داشت. در ۱۸۷۷م به سبب شرکت در شورش علیه نظام تزاری روسیه دستگیر، زندانی و سپس تبعید شد. او آثار زیادی داشت از جمله دیوان الممنون و آثار داغستان. شعرهایی به زبان فارسی از وی به جای مانده که دارای کنایه‌ها و استعاره‌های زیبایی هستند.<sup>۴۲</sup>

در پایان این بخش به تعداد کلمات دخیل ایرانی در زبان‌های داغستانی نگاهی می‌اندازیم. تمامی موارد فوق‌الذکر، دلیلی بر دخول کلمات فارسی میانه و دری در زبان‌های داغستانی هستند. مثلاً کلمات ایرانی که وارد زبان لزگی شدند بدون احتساب اسامی خاص، ۵۵۴ واژه‌اند.<sup>۴۳</sup> کلمات ایرانی که وارد زبان لاکی شده‌اند حدوداً شامل ۳۵۰ واژه هستند.<sup>۴۴</sup> بیشتر از همه کلمات



ایرانی وارد زبان اودینی شدند که حدود ۱۲۰۰ واحد زبانی را شامل می‌شوند.<sup>۴۵</sup> کمتر از همه زبان‌های داغستانی، زبان‌های ایرانی بر زبان آواری تأثیر گذاشتند، در زبان آواری حدود ۱۶۰ واژه ایرانی وجود دارد.<sup>۴۶</sup>

با در نظر داشتن تمامی این موارد مشخص می‌شود که روابط داغستان با ایران و ادبیات فارسی ریشه‌های عمیق تاریخی در داغستان دارد، اما متأسفانه این امر ناشناخته مانده است. این روابط سبب شد تا داغستانی‌ها بیش از پیش در رشته ایران‌شناسی بکوشند.

## بخش دوم

### ایران‌شناسان داغستانی تا زمان فروپاشی شوروی

تا زمان فروپاشی شوروی در داغستان هیچ مرکزی یا مؤسسه‌ای علمی پژوهشی که در آنها رشته‌های ایران‌شناسی تدریس می‌شدند، مشاهده نمی‌شود. علاقه‌مندان به فراگیری ایران‌شناسی در داغستان ناچار به ترک زادگاه خویش بودند.

اولین و بارزترین نمونه، میرزا محمدعلی کاظم‌بیک است. پروفیسور کاظم‌بیک شخصیت بزرگ و پیشرو افکار دانشگاهی روسیه در قرن ۱۸ میلادی بود.<sup>۴۷</sup> قاسم پدر کاظم‌بیک شیخ‌الاسلام دربند بود.<sup>۴۸</sup> وی در سفر خود به اماکن مقدس اسلام با دختر میرباقرخان، فرماندار رشت، ازدواج کرد که از این ازدواج در ۲۲ ژوئن سال ۱۸۰۲ میلادی میرزا محمدعلی کاظم‌بیک در شهر رشت چشم به دنیا گشود.<sup>۴۹</sup> کاظم‌بیک در سن ۹ سالگی به همراه مادرش نزد پدر به دربند آمده بود. وی تحصیلات مقدماتی را نزد پدرش فراگرفت، و سپس از استادان پرآوازه آن شهر در رشته فلسفه اسلامی، بلاغت، منطق و احکام دین شد.<sup>۵۰</sup> او به زبان‌های آذری، عربی، فارسی و ترکی تسلط کامل داشت و در ۱۸ سالگی اشعاری به فارسی در لغو و معما می‌سرود. کاظم‌بیک پس از دستگیری پدر در سال ۱۸۲۰ و تبعید آن به سبیری در پی وی به آستراخان رفت. در آن شهر از آوازه‌گرهای پروتستان اسکاتلندی، زبان‌های اروپایی را آموخت و به آنها زبان‌های شرقی را یاد داد. مبلغان با سوء استفاده از جوانی و بی‌تجربگی کاظم‌بیک وی را به دین خود درآوردند. کاظم‌بیک در آستاراخان زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و تا حدی عبری آموخت. در سال

۱۸۲۴ از وی برای ارتقاء سطح علمی خود در انگلستان دعوت به عمل آمد. ولی طبق دستور فرماندار قفقاز وی را به سیبری تبعید کردند. وی در راه مریض شد و در شهر قازلن او را پیاده کردند. کاظم‌بیک در منزل فوکس، پروفیسور دانشگاه قزان، سکونت یافت. وی از اکتبر ۱۸۲۶ با پیشنهاد اساتید دانشگاه قزان بلاغت شرق را در این دانشگاه تدریس می‌کرد. کاظم‌بیک در آغاز کار خود روسی نمی‌دانست و به سرعت این زبان را آموخت و نه فقط به این زبان درس می‌داد بلکه شروع به ترجمه گلستان سعدی به زبان روسی نمود که این کار را در سال ۱۸۲۹ با موفقیت به پایان رساند. تعلیمات عمیق کاظم‌بیک سبب شد تا در سال ۱۸۳۵ عضو وابسته آکادمی علوم روسیه گردد. در سال ۱۸۴۹ با دعوت دانشگاه پترزبورگ، قازان را به مقصد پترزبورگ ترک کرد. او در سال ۱۸۵۱ عضو انجمن جغرافیای روسیه شد و در همان سال اثر اصولی خود درباره تاریخ دربند با عنوان دربندنامه و به زبان فارسی را آماده چاپ کرد و در حال تألیف دربندنامه از نسخ خطی و آثار دانشمندان غرب درباره تاریخ دربند و شروان بهره جست. کاظم‌بیک بعد از چاپ این اثر در غرب و شرق شهرت پیدا کرد، چنان‌که به خاطر این کار برنده جایزه دمیدوف، معتبرترین جایزه علمی روسیه، مدال طلای ملکه انگلیس و نشان شیر و خورشید ایران شد.<sup>۵۱</sup> جایزه دمیدوف بعدها ۳ بار نصیب کاظم‌بیک شد. در ماه اکتبر سال ۱۸۵۴ بخش زبان‌های شرقی دانشگاه پترزبورگ به دانشکده تبدیل شد و کاظم‌بیک به‌عنوان اولین رئیس آن منصوب شد. وی در دانشکده، رشته‌های جدیدی که در اروپا بی‌نظیر بودند و روش‌های تازه آموزش شرق‌شناسی را به اجرا گذاشت. میرزا فتحعلی آخوندوف در یکی از نامه‌های خود درباره کاظم‌بیک چنین می‌گوید: «اما کاظم‌بیک مصدق است. این شخص را فاضل حقیقی و صاحب ذهن و مستحق تکریم می‌توان شمرد».<sup>۵۲</sup> آخوندوف نسخه‌ای از الفبای خود برای کاظم‌بیک فرستاده بود تا از نظریات وی بهره‌ای ببرد.<sup>۵۳</sup> جلال‌الدین میرزای قاجار یک نسخه از جلد نخست نامه خسروان خود را برای کاظم‌بیک فرستاد.<sup>۵۴</sup> کاظم‌بیک آثار زیادی در ایران‌شناسی تألیف نمود، در شاهنامه‌پژوهی نیز قلم زد و اساطیر ایرانی شاهنامه وی شهرت جهانی یافت.<sup>۵۵</sup> باب و بابی‌ها، ادبیات فارسی پیش از اسلام، حماسه ایرانی و غیره از آثار وی می‌باشند. پروفیسور کاظم‌بیک در سال ۱۸۷۰م در پترزبورگ از دنیا رفت. به خاطر زحمات وی در توسعه خاورشناسی روسیه وی





را پدر خاورشناسی روسیه می‌خوانند. در دوره حکومت کمونیست‌ها در شوروی ایران‌شناسان متعددی از داغستان به شهرت رسیدند، مثل کوردی زاکیف، عثمانوا و ... اما ما در این مقاله می‌خواهیم به آقای عثمانوف اشاره کنیم و شرح حال بسیار مختصری درباره وی بیاوریم.

محمد نوری عثمانویچ عثمانوف، در ۶ فوریه سال ۱۹۲۴ میلادی در پایتخت داغستان در شهر ماخاچ کالا به دنیا آمد. در سال ۱۹۵۰ وی دانشگاه دولتی مسکو را به پایان رساند، در سال ۱۹۵۴ دکترای ادبیات گرفت و از آن زمان گام در راه فراگیری ایران‌شناسی نهاد و در ۱۹۸۱ موفق به دریافت رتبهٔ profesori شد. پروفیسور عثمانوف در رشتهٔ ادبیات ایران چهار اثر تحقیقی و گران‌بها به رشتهٔ تحریر درآورد که در خاورشناسی نوآوری محسوب می‌شوند و موجب تقریظ‌های مثبتی در اروپا و ایران شدند. این آثار به شرح زیر عبارتند از:

(۱) شرح حال و تحلیل آثار عمرخیام که در سال ۱۹۵۸ منتشر شد.  
 (۲) شرح حال و تحلیل آثار فردوسی که در سال ۱۹۶۰ به چاپ رسید.  
 (۳) سبک شعر فارسی تاجیکی در قرن ۹-۱۰ میلادی که در سال ۱۹۷۴ به چاپ رسید و به مؤلف شهرت جهانی بخشید. در این اثر عثمانوف در شعر فارسی سدهٔ چهارم هجری صور خیال نیز آورده بود.<sup>۵۶</sup>

(۴) پروفیسور عثمانوف مدت مدیدی در رأس گروه مؤلفان برای تألیف تاریخ ادبیات فارسی، که قرار بود چند جلدی باشد، شرکت کرد. متأسفانه این کار به دلیل وضع نابسامان کشور به پایان نرسید.<sup>۵۷</sup>

پروفیسور عثمانوف در زمینهٔ متن‌شناسی تحت تأثیر افکار آکادمیک لیخاچف به نظریهٔ متن‌شناسی شرقی توسعه داد و در این زمینه چند مقاله نوشت. وی تصحیح انتقادی شاهنامهٔ فردوسی را نیز آمادهٔ چاپ کرد.

در زمینهٔ فرهنگ‌نویسی عثمانوف یک چهارم فرهنگ فارسی روسی را تدوین کرده است.<sup>۵۸</sup> این فرهنگ چندین بار در شوروی و ایران به چاپ رسیده بود. وی همچنین اولین فرهنگ بسامدی با نام فرهنگ بسامدی منصوره را در زمینهٔ تاریخ خاورشناسی جهان تدوین نمود.



عثمانوف کارهای زیادی در مقام مترجم نیز انجام داد. وی سبندنامه، بختیارنامه، جواهرالآثار، دررالکلم و قرآن کریم را به زبان روسی ترجمه کرد. عثمانوف با وجود کهولت سن همچنان برای گسترش ایران‌شناسی در داغستان فعالیت می‌کند. وی از امسال به‌عنوان رئیس کرسی ادبیات ایران و ترکیه در دانشگاه دولتی داغستان انتخاب شد.

### بخش سوم

#### ایران‌شناسی در داغستان بعد از فروپاشی شوروی

پس از فروپاشی شوروی ایران‌شناسی رشد چشمگیری در داغستان داشته است که از سال ۱۹۹۱م به خوبی ملموس است. البته نمی‌توان گفت در زمان شوروی در زمینه ایران‌شناسی در داغستان کاری انجام نشده بود، چنان‌که به‌عنوان مثال در سال ۱۹۸۰م سرکار خانم کازلووا در همایشی در شهر دوشنبه با مقاله «زبان فارسی در داغستان» سخنرانی کرد. فعالیت‌های محققان داغستانی و کارهای در دست انجام را می‌توان به چند رشته تقسیم کرد:

(۱) **زبان‌شناسی:** در این زمینه به جرئت می‌توان گفت فقط آقای افندیف تلاش کرده و تا به امروز جامع‌ترین بررسی کلمات دخیل از زبان‌های ایرانی به زبان لزگی را انجام داده و اثر خود را با عنوان *کلمات مأخوذ ایرانی در زبان لزگی* در سال ۲۰۰۰م به چاپ رسانده است. در این اثر پرارزش در درجه اول عوامل تاریخی کلمات مأخوذ ایرانی و جایگاه آن در زبان لزگی را بررسی کرده است، سپس به بررسی مسئله ورود کلمات ایرانی به زبان فارسی، گرفتن معنی و روش به‌کارگیری آنها در زبان مذکور می‌پردازد و در آخر کتاب، واژه‌نامه کلمات ایرانی دخیل در زبان لزگی را می‌آورد. وی فرهنگ کلمات ایرانی در زبان لزگی و فرهنگ کلمات ایرانی در زبان آواری را چاپ کرد و در زمینه تأثیر زبان‌های ایرانی به زبان‌های داغستانی چند مقاله تألیف نمود.

(۲) **تاریخ:** در زمینه تاریخ روابط داغستان و ایران می‌توان به کتابی تألیف پروفیسور حسنوف با نام *داغستان و دنیای ایران* اشاره کرد. مؤلف در این کتاب که در واقع مجموعه مقالاتش است و



برای دانشجویان دانشکده‌های تاریخ‌شناسی دانشگاه‌ها توسعه می‌شود، به بررسی چند مسئله از تاریخ روابط مردمان داغستان و ایران پرداخته است. این تحقیق را می‌توان به ۴ بخش تقسیم کرد:

۱- روابط داغستانیان با اقوام و دولت‌های ایرانی قبل از ظهور اسلام؛

۲- تاریخچه مسکن ناحیه‌ای در جنوب شرقی داغستان؛

۳- تاریخ قوم تات؛

۴- روابط داغستانیان با دولت‌های ایران بعد از ظهور اسلام.

۳ ادبیات فارسی در داغستان: در این زمینه کارهای اساسی صورت نگرفته و بیشتر، مقالات

پراکنده‌ای در نشریات مختلف چاپ شده‌اند. از جمله کسانی که در این زمینه کار می‌کنند، دکتر سرکار علیکوا<sup>۵۹</sup> و خود نگارنده<sup>۶۰</sup> هستند.

۴ باستان‌شناسی: در این زمینه باید به بررسی کنیبه‌های دربند اشاره کرد و به‌خصوص نام

پروفسور حاجیف را ذکر کرد که آثار دربند و نواحی جنوب داغستان را مورد بررسی قرار داده است. مقالات پراکنده‌ای در این خصوص از وی به چاپ رسید.

۵ آموزش زبان فارسی: آموزش زبان فارسی در دانشگاه دولتی داغستان از سال ۱۹۹۶م

به‌عنوان درس اختیاری برای دانشجویان بخش خاورشناسی دانشکده تاریخ دانشگاه دولتی داغستان آغاز شد. از سال ۲۰۰۰م و بعد از تأسیس دانشکده خاورشناسی دانشگاه مذکور، زبان فارسی به‌عنوان درس اصلی در آن تدریس می‌شود. از امسال کرسی مشترک ادبیات ایران و ترک در این دانشکده افتتاح گردید و قرار است پس از یک سال براساس برنامه آموزشی، کرسی ادبیات ایران به‌عنوان کرسی مستقلی تأسیس شود. در حال حاضر ۴ نفر در این کرسی مشغول به تدریس زبان و ادبیات ایران هستند.

## بخش چهارم

### چشم‌انداز گسترش ایران‌شناسی در داغستان

با بررسی روابط فرهنگی - تاریخی داغستان با ایران و فعالیت ایران‌شناسان داغستان در دوره‌های مختلف و همچنین آغاز بررسی‌های پژوهشگران در زمینه ایران‌شناسی در داغستان امروز و شروع



فعالیت کرسی ادبیات ایران در دانشگاه دولتی داغستان می‌توان چشم‌انداز و مشکلات آینده ایران‌شناسی را در داغستان ترسیم کرد و همین‌طور اهمیت پژوهش‌های جدید را در این زمینه مشاهده نمود.

### چشم‌اندازها

۱) در زمینه زبان‌شناسی، به‌خصوص تأثیر زبان‌های ایرانی به زبان‌های داغستانی پژوهشگران داغستانی و ایرانی می‌توانند همکاری کنند. چنان‌که مشاهده می‌شود در این زمینه کارهایی انجام شده ولی نیاز به بازنگری و گسترش آنها احساس می‌شود. در این زمینه می‌توان کارهای گروهی با تبادل نظریات متقابل انجام داد.

۱) در زمینه تاریخ روابط داغستان و ایران طرفین می‌توانند اسناد و منابع تاریخی از جمله عکس‌های نسخ خطی را با هم مبادله کنند که نیاز به ارائه فهرس آن وجود دارد. همین‌طور می‌توان تحقیقاتی در زمینه رجال داغستانی در ایران و شخصیت‌های ایرانی در داغستان، که به دلایل مختلف از وطن خود کوچیدند، انجام داد.

۳) در زمینه باستان‌شناسی متخصصان ایرانی می‌توانند با انجام مأموریت‌های علمی در داغستان و همکاری متخصصان داغستانی با آثار باستان‌شناسی و کتیبه‌های موجود آشنا شوند.

۴) در زمینه ادبیات فارسی در داغستان محققان باید جستجوهای لازم را با هدف پیدایش نسخه‌های جدید انجام دهند و با کمک طرف ایرانی آنها را به چاپ برسانند.

۵) در زمینه آموزش زبان فارسی طرفین باید برای تدوین روش‌های جدیدتر و بهتر آموزش زبان فارسی به توابع داغستان همکاری‌های نزدیک و هماهنگی‌های پی در پی داشته باشند. در اینجا می‌توان به تدوین کتب آموزشی و کمک آموزشی با نظر به خصوصیات زبان‌شناسی ملل داغستان اشاره کرد.

۶) در زمینه قوم‌شناسی متخصصان داغستانی و ایرانی می‌توانند درباره اقوام ایرانی داغستان مثل قوم تات تحقیق کنند.



۷) در زمینه دین‌شناسی می‌توان درباره علل ورود تشیع به داغستان، مراسم شیعیان داغستان، همین‌طور تأثیر سلسله صوفیان ایران به رشد تصوف در داغستان با همکاری متخصصان ایرانی تحقیق کرد.

۸) در زمینه فرهنگ‌شناسی محققان ایران و داغستان باید به تأثیر ملت‌های متقابل بر فرهنگ و آداب یکدیگر توجه کنند. به‌عنوان مثال می‌توان به آداب نوروز و به‌کارگیری آلات موسیقی مشابه اشاره کرد.

تمام این کارها نیازمند همکاری‌های تنگاتنگ و متمادی محافل علمی - دانشگاهی طرفین است. در راستای این تحقیقات باید همایش‌ها و میزگردهای علمی برگزار شود تا تبادل اطلاعات انجام شود. برای دستیابی سریع‌تر به نتایج مورد نظر باید مرکز ایران‌شناسی وابسته به دانشگاه دولتی داغستان راه‌اندازی و افتتاح شود تا بتواند با همکاری با مؤسسات مربوط جمهوری اسلامی ایران از تمام تحقیقات در زمینه‌های مذکور حمایت کند و تجهیزات لازم را در اختیار آنان بگذارد. به‌نظر می‌رسد در ابتدا باید میزگردی در ایران در این زمینه با حضور طرفین تشکیل شود.

### مشکلات

مشکلات زیادی در این راه وجود دارند: از ناپودی امکانات سطحی برای تدریس زبان فارسی در داغستان تا عدم حمایت‌های مالی از تحقیقات انجام یافته و عدم اطلاعات مردم دو کشور از روابط دیرین یکدیگر. ولی به‌نظر می‌رسد که با تعامل و همکاری این مشکلات به مرور زمان حل می‌شود. ایران‌شناسی در داغستان هر چه قدر هم در سطح ابتدایی باشد، امید می‌رود مثل روابط تاریخی دو دیار محکم و پایدار باشد.

### پی‌نوشت‌ها

1. Дьяконов И.М. История Мидии. М.-л. Издательство АН СССР. 1956. с. 92.
2. Бартольэ В.В. Арабские известия о руссах.//Бартольэ В.В. Сочинения. М. Издательство восточной литературы. 1962. Т. 2. ч. 1. с. 813.
3. Луконин В.Г. Культура Сасанидского Ирана. М. 1969. с. 62.
4. Хоренский М. История Армении. Перевод Эмила М. М. 1858. с. 196.
5. Эфендиев И.И. Иранизмы в лезгинском языке. Махачкала. Пульсар. 2000. с. 13.
6. Масомеэов Г. Дагестан и иранский мир. Ереван. Кавказский центр иранистики. 1999. с. 13.



۷. تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، ج ۳، قسمت اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰، ص ۲۳۸.
۸. مینورسکی، و.، تاریخ شروان و دربند، ترجمه خادم، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۲۱.
9. *Бакиханов Х.К.* Гюлистан-и Ирам. Баку. 1991. с. 45.
10. *Шихсаидов А.Р. Оразаев Г.М.–Р.* Ахты-нае.//Дагестанские исторические сочинения. М. Наука. Издательская фирма восточная литература. 1993. с. 71.
۱۱. آق‌قدس‌ی، عباسقلی، گلستان ارم، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی، تهران، ۱۳۸۲، ص ۴۶.
۱۱. تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران، ۱۳۷۶، ص ۹۹.
12. *Гаэжиев М.С.* Новые находки и топография среднеперсидских надписей йдерсидских надписей дербента.//Вестник древней истории. No2. М. 2000. с. 116-129.
۱۳. مینورسکی، و.، همان، ص ۲۷؛ عباسقلی آق‌قدس‌ی، همان، ص ۵۱.
14. *Айтберов Т.М.* Обзор некоторых рукописных собраний Дагестана.//Рукописная и печатная книга в Дагестане. Махачкала. С. 144-161.
15. *Козлова А.Н.* Мечетские библиотеки-духовные центры ислама.//Фундаментальные и прикладные вопросы естественных наук. Т. 2, Махачкала. 1994. с. 143.
16. *Алибекова П.М.* Каталог персидских рукописей института истории. археологии и этнографии ДНЦ РАН. Махачкала. ДНЦ РАН. 2001.
۱۷. تاریخ ایران کیمبریج از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلیخانان، گردآورنده نوبل جی. آ.، ترجمه حسن انوشه، ج ۵، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱، ص ۵۴۸.
۱۸. نظامی گنجوی، کلیات خمسه نظامی، مطابق نسخه وحید دستگردی، تهران، نشر علمی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۵.
۱۹. نسخه دستنویس مقاله کازلووا آن. برای همایشی که در سال ۱۹۸۰م در شهر دوشنبه برگزار شد، با عنوان «زبان فارسی در داغستان».
۲۰. کازلووا، آکساندرا، «اسناد فارسی از داغستان»، ایران‌شناسی، شماره ۱۶-۱۷، تهران، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۲۶۸-۲۷۹.
- Aleksandra N. KOZLOVA. Ein pesisches document von sahTahmasp I. (1524-1576) aus Dagestan. Muslim Culture in Russia and Central Asia. Vol. 3. Berlin. Klaus Schwarz Verlag. 2000. p. 529-538.
۲۱. گواه بر این امر اطلاعاتی راجع به علمای داغستان است که با زبان فارسی آشنایی کامل داشتند و به آن زبان تألیفات خود را می‌نگاشتند. ر.ک.:
۱. القدری، حسن، آثار داغستان، ماخاج قلعه، یوییتر، ۱۹۹۴.
۲. الدرکلی، نذیر، نزهة الادهان فی تراجم علماء داغستان، بنیاد نسخه‌های خطی مرکز علوم داغستان، ۱۰۸/۲/۳۰.
22. *Алибекова П.М.* Каталог персидских рукописей института истории. археологии и этнографии ДНЦ РАН. Махачкала. ДНЦ РАН. 2001. с. 91-92.
۲۳. همان، ص ۷۰.
24. *Гамзатов Г.Г.* Национальная художественная культура в калейдоскопе памяти. М. Наследие. 1996. с. 498. Масомеэов Б. М. Очерки дореволюционной аварской литературы. Махачкала. 1961.
25. *Алибекова П.М.* Каталог персидских рукописей института истории. археологии и этнографии ДНЦ РАН. Махачкала. 2001. с. 91-92.
26. *Садьки Ф.М.* Традиции арабской классической литературы и творчество Мирзы Али ал-Ахты (1771-1858 г. г.). Автореферат кандидатской диссертации. М. 1984.
27. Литературное и научное наследие Абу-Суфьяна Акаева. Махачкала. 1992. с. 124-133.
۲۸. الدرکلی، نذیر، همان، ص ۱۱.



۲۹. *متنخبات منظوم من کلام، شعرای تصوف و غیره و غیره*، باکو، ۱۹۳۲، محل نگهداری: انستیتوی نسخ خطی فرهنگستان علوم جمهوری آذربایجان، ص ۲۲.
30. *Гоэс М. Реза. Иран в XX веке. Политическая история. Перевод с англ. И. М. Дижюра. М. 1994. с. 33-34.*
۳۱. نسخه دستنویس مقاله علی بیگ‌اوپ. م، «عبدالرحمن طالبوف- نویسنده ایرانی، روشنفکر و چهره اجتماعی داغستان»، ص ۲.
۳۲. ر.ک.: محمدزاده، آقایف، دانشنامه ادب فارسی، جلد ۵، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۳۰.
۳۳. فریدون بای، کوچرلی، *ادبیات آذربایجان*، باکو، علم، ۱۹۷۸م، ج ۲، ص ۳۱۱-۳۱۲ (به زبان آذری).
۳۴. قمری دربندی، کنزالمصائب، تبریز، ۱۳۰۰ق، ص ۳-۴.
۳۵. فریدون بای، کوچرلی، همان، ص ۳۱۱؛ حسن القادری، *آثار داغستان*، همان، ص ۱۴۷.
۳۶. دولت‌آبادی، عزیز، *سرایندگان شعر پارسی در قفقاز*، تهران، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۷۰، ص ۳۲۶؛ فریدون بای کوچرلی، همان، ص ۳۱۱-۳۱۲.
۳۷. فریدون بای، کوچرلی، همان، ص ۳۲۴.
۳۸. قمری دربندی، *دیوان کامل قمری*، تهران، انتشارات پیری، ۱۳۷۲.
۳۹. قمری دربندی، کنزالمعارف، انستیتوی نسخ خطی فرهنگستان علوم جمهوری آذربایجان. C-200/9154-10260، ص ۲-۳.
۴۰. شعر دوست، علی‌اصغر، *آموزش زبان فارسی در جمهوری آذربایجان*، تهران، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۷۴، ص ۳۷.
۴۱. به‌عنوان نمونه: قمری دربندی، همان، ص ۴-۵؛ خواجهی کرمانی، *گزینۀ خواجهی کرمانی*، گردآورندگان و مصححان مهدی برهانی و علی بته‌کن، تهران، زوار، ۱۳۷۰، ص ۱۰۵.
۴۲. محمدزاده، ن.، القادری، *دانشنامه ادب فارسی*، ج ۵، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۷۹-۸۰.
43. *Эфендиев И.И. Иранизмы в лезгинском языке. Махачала. 2000. с. 34.*
44. *Эфендиев И. Классификация иранизмов в лакском языке.//Кавказский вестник. №5. Тбилиси. 2002. с. 79.*
45. *Эфендиев И. Объем, тематический состав и место иранских заимствований в лексике аварского языка.//Кавказский вестник. №3. Тбилиси. 2001. с. 227.*
۴۶. همان.
۴۷. اکثر اطلاعاتی که نگارنده در این مقاله از آنها استفاده کرد از موزه کاظم‌بیک در شهر دربند به‌دست آمده و آن دسته اطلاعاتی که از منابع گرفته شد، در پانویس آورده شده است.
۴۸. رشنوزاده، کاظم‌بیک، *دانشنامه ادب فارسی*، ج ۵، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۴۴۴.
۴۹. همان.
۵۰. همان.
۵۱. همان.
۵۲. آخوندوف، میرزا فتحعلی، *الفبای جدید و مکتوبات*، گردآورنده حمید محمدزاده، نشریات فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان، باکو، ۱۹۶۳، ص ۱۶۹.
۵۳. همان، ص ۶۶-۶۷.
۵۴. همان، ص ۳۹۳؛ رشنوزاده، کاظم‌بیک، همان، ص ۴۴۴.



۵۵. ولی، صمد، فردوسی و شاهنامه در قفقاز، برگردان رحیم مسلمانیان قبادیانی، تهران، کارنگ، ۱۳۷۸، ص ۱۷۲-۱۷۳.

56. М.-Н. Османов. Стиль персидско-таджикской поэзии 9-10вв. М. Наука. 1974.

57. М.-Н.О. Османов: К 75-летию со дня рождения: Биобиблиографический указатель. Махачкала. ИПЦ ДГУ. 1999. СТР. 7.

۵۸. فرهنگ فارسی روسی، انتشارات جاودان خرد، ۲ جلد، ۱۳۸۱.

۵۹. درباره وی: دانشنامه ادب فارسی، ج ۵ ص ۳۹۳.

۶۰. می‌توان به مقالات اینجانب در دانشنامه ادب فارسی اشاره کرد.